

Investigating the Philosophical Foundations of Human Education in the Holy Quran

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Alireza Abbasian¹
Mohammad Hajizad^{2*}
Seyed Ahmad Mirian Akandi³

How to cite this article

Alireza Abbasian, Mohammad Hajizad, Seyed Ahmad Mirian Akandi, Investigating the Philosophical Foundations of Human Education in the Holy Quran, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2023;6(4):372-381.

1. PhD student of philosophy of education, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Department of Educational Sciences, Neka Branch, Islamic Azad University, Neka, Iran (corresponding author).
3. Department of Quran and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: hajizad@iau.ir

Article History

Received: 2022/10/09
Accepted: 2023/02/08

ABSTRACT

The discussion of the principles and foundations of human education in the doctrines of life is one of the most important issues that has been emphasized a lot. In this connection, the philosophy of education as a special activity is responsible for leading people to know and choose safe paths to become happy. The purpose of the current research is to examine the philosophical foundations of human education in the Qur'an by using the philosophical teachings of human education. The findings and results of the research have shown: the foundations of human education in the Qur'an are based on epistemology, ontology, anthropology, theology and values, and the philosophy of human education in the Qur'an is based on principles such as: naturalism, moderation, rational education, thinking and Consideration, dignity, perfectionism, family orientation and social differences are based. It should be noted that the type of research is based on the fundamental objective and the method of collecting data, documents and also searching in virtual and internet networks has been done.

Keywords: Education, Training, Philosophy of Education, Philosophy of Education, Human, Holy Quran.

بررسی مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم

علیرضا عباسیان^۱

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری ایران.

محمد حاجی زاد^{۲*}

گروه علوم تربیتی، واحد نکا، دانشگاه آزاد اسلامی، نکا، ایران (نویسنده مسئول).

سید احمد میریان اکندی^۳

گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری ایران.

چکیده

بحث از اصول و مبانی تربیت انسان در آموزه های و حیاتی از ضروری ترین مسائلی است که بسیار بر آن تأکید شده است. در این ارتباط، فلسفه تعلیم و تربیت به عنوان فعالیتی ویژه و وظیفه سوق دادن انسان ها به سوی شناخت و انتخاب مسیر های مطمئن برای سعادت مند شدن را بر عهده دارد. هدف پژوهش حاضر آن است که با بهره گیری از آموزه های فلسفی تربیت انسان، مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن را مورد بررسی قرار دهد. یافته و نتایج تحقیق نشان داده اند: مبانی تربیت انسان در قرآن مبتنی بر معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، الهیاتی و ارزش شناسی بوده و فلسفه تربیت انسان در قرآن بر اصولی چون: فطرت گرایی، اعتدال گرایی، تربیت عقلایی، تفکر و تدبیر، کرامت، کمال جویی خانواده گرایی و تفاوت های اجتماعی استوار است. لازم به ذکر است که نوع پژوهش بر اساس هدف بنیادی است و روش گرد آوری داده ها، اسنادی و همچنین جستجو در شبکه های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

کلید واژگان: تعلیم، تربیت، فلسفه تعلیم، فلسفه تربیت، انسان، قرآن کریم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

*نویسنده مسئول: hajizad@iau.ir

مقدمه

شناخت از مبانی و اصول تربیتی انسان از دیرباز مورد توجه بسیاری از اندیشه‌وران و صاحب نظران بوده و در این راه کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است. بدیهی است که توجه به مسائل فلسفه تربیت در مکاتب و آموزه های فکری اندیشه ورزان متضمن برداشت های متفاوتی بوده و هر یک از این برداشت ها توانسته اند منشا صدور آرای متفاوت در زمینه فلسفه تربیت انسانی باشند.

بنا بر نگره و آموزه های اغلب مکاتب فکری، تربیت در لغت به معنای رشد و نما دادن، زیاد کردن و مرغوب یا قیمتی ساختن است و تعلیم به مجموعه تدابیر و روش هایی گفته می شود که برای ایجاد، ابقاء و اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در متربی صورت می پذیرد. در واقع، تربیت از یک دیدگاه، اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد استعداد های انسانی است. به بیان دیگر، منظور از تربیت انسان، به فعلیت رساندن استعدادهای بالقوه موجود در او است.

اگر چه حوزه های قابل توجهی از مبانی و اصول فلسفه تربیت را در آموزه های فکری به خوانش گرفت، اما به نظر می رسد که مکاتب و حیاتی و ادبیات مرتبط با تئولوژی و الهیات خوانش خاص خود را از مبانی و اصول فلسفه تربیت انعکاس داده اند. در این ارتباط، قرآن کریم را باید یک نمونه بارز از منابع فلسفه تربیت انسان دانست. در قرآن کریم و همچنین در روایات معصومین (ع) بابت مبانی و اصول فلسفه تربیت به جنبه عقلانی انسان تأکید فراوان شده است و اینگونه به نظر می رسد که عقل راهنمای تربیتی انسان بر اساس آموزه های قرآن باشد. در این ارتباط و نظر به محوری بودن عقل در تربیت انسان، مقام عقلی تربیت در قرآن کریم به گونه ای معرفی شده است که حتی از عقل پیامبر باطنی انسان شمرده و اصول دین را جز با تحقیق عقلانی نپذیرفته و در فروع دین نیز عقل را یکی از منابع اجتهاد معرفی کرده است. عقل در مقام ابزاری آن، نیرو و قوه تجزیه و تحلیل است که با آن می توان خیر را از شر تمیز داد. در واقع، منظور از عقل، در جایگاه منبعی از منابع تربیت اسلامی، استعداد یا نیرویی است که انسان با آن، حقیقت را از خطا، حق را از باطل یا درست را از نادرست تشخیص می دهد و به شناخت و معرفت کلی می رسد. به بیان دیگر، توانایی درک و تمیز، تشخیص، مقایسه و پیش بینی منوط به جنبه عقلانی انسان می شود. البته نگاه تکاملی اسلام به ویژه قرآن کریم در مسئله تربیت فقط منحصر و مختص به عقل نیست. دیدگاه و آموزه های و حیاتی قرآن کریم علاوه بر عقل، مسائل دیگری چون: جوان گرایی، تفرد، تفاوت های اجتماعی، خانواده گرایی، فطرت گرایی و گزیده محوری در تربیت را در نظر می گیرد. به این ترتیب در یک نگاه می توان مواردی چون: عقل گرایی، جوان گرایی، تفرد، تفاوت های اجتماعی، خانواده گرایی، فطرت گرایی و گزیده محوری جز اصول، آکسیون و پرنسب های تعلیم و تربیت در قرآن کریم در نظر گرفت.

با همه پژوهش هایی که در حوزه تربیت انسان از سوی پژوهش گران فلسفه تعلیم و تربیت انجام شده است، به نظر می رسد که جای پژوهشی که خواسته باشد مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده باشد، به جد خالی است. لذا در پژوهش

الهی هرگز مفهوم و دوام نمی یابد، همچنان که بدون آن امکان پیدایش نمی یافت. به دلیل نقش بسیار مهم حضور هستی آفرین در سلسله مبانی تعلیم و تربیت، نخست باید او را شناخت و به آغاز و پایان و شیوه اداره و تدبیر هستی، همچنین جایگاه موجودات، به ویژه انسان، در نظام آفرینش پی برد، تا بتوان برای تربیت، بر اساس آن آغاز و فرجام، و این تدبیر و جایگاه، فلسفه یابی و برنامه ریزی کرد. (۳)

منظور از مبانی الهیاتی فلسفه تربیت، گزاره هایی است مربوط به مهمترین اعتقادات در ادیان توحیدی که از آنها برای استنتاج مولفه های تربیت استفاده می شود. با توجه به این مبانی، هدف تربیت قرب به خداست. در مبانی الهیاتی فلسفه تعلیم و تربیت بر اصولی چون: وجود خداوند کامل مطلق، اعتقاد به اصل توحید، نظام واحدی در اجزای عالم هستی و اینکه هستی نهایتا دارای غایبات و هدف واحد است و همه افعال خداوند حکیمانی و دارای هدفی معقول است، تأکید می شود. (۱)

در بعد انسان شناسی، شناخت انسان و ویژگی های او از پیش نیاز های اصلی تربیت است. هر چه شناخت از انسان عمیق تر و دقیق تر باشد، برنامه ریزی برای تعلیم و تربیت او دارای اتقان بیشتری خواهد بود. در انسان شناسی تعلیم تربیت بر این نکته تأکید می شود انسان موجودی مختار است. انسان موجودی هدفمند و انسان دارای حب ذات است و انسان همواره در پی دست یابی به کمال است و انسان بی نهایت کمال طلب است. (۱) نکته حائز اهمیت آنکه میان فلسفه تربیت با مکتب اومانیسم بک رابطه معنا داری وجود دارد. در باره فلسفه تربیت با توجه به انسان شناسی هدف اساسی نجات و کمال انسان است. مکتب اومانیسم اصولی که پیشنهاد می کند بر پایه پاسخگویی به نیاز های اصلی است که نوعیت انسان را تشکیل می دهد. این مکتب در واقع مذهبی انسانی است که در برابر مذاهب خدایی بنا شده است. ریشه های این مکتب را در یونان باستان در شهر آتن باید جست. در واقع اومانیسم از منظر ریشه شناسی یک پیشنش میثولوژیک (اسطوره ای) است. اومانیسم هم در برابر خدا قرار دارد و هم در برابر طبیعت. به عبارت دیگر، اصالت انسان در برابر اصالت خدا و در برابر اصالت طبیعت مطرح می شود. مکتب اومانیسم مشتمل بر مکاتبی چون: آگوستینوس (خود محوری)، رادیکالیسم (بنیاد گرایی)، آگزیستانسیالیسم (وجود گرایی یا اصالت وجود) و لیبرالیسم (آزادخواهی) می گردد. (۲)

۱) مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تأکید بر معرفت شناسی

مبانی معرفت شناسی فلسفی تربیت انسان در قرآن رابطه عمیقی با حوزه تربیت دارد، به گونه ای که می توان گفت: زبان قرآن، زبان آموختن، یاد گرفتن و پرورش انسان هاست. شهید مطهری می فرماید: قرآن را باید به قصد آموختن و تعلیم یافتن مطالعه کرد؛ چراکه یکی از وظایف مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زبان قرآن یاد دادن و تعلیم دادن انسان هاست و وظیفه اسلامی نیز اقتضا دارد که مردم معارف بلند قرآن را بیاموزند. بر این اساس، نخستین آیاتی که بر پیامبر نازل شد، ایشان را به خواندن دستور داد و از (قلم) نام برد

حاضر تلاش بر این است که با بهره گیری از آموزه های فلسفی تربیت انسان، مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن را مورد بررسی قرار گیرد. لذا عهده دار پاسخ به این پرسش است که: از منظر فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم بر چه مبانی و اصولی استوار است؟ فرضیه ای که در پاسخ به پرسش پژوهش مورد سنجش و آزمون قرار می گیرد این است که: مبانی تربیت انسان در قرآن مبتنی بر معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، الهیاتی و ارزش شناسی بوده و فلسفه تربیت انسان در قرآن بر اصولی چون: فطرت گرایی، اعتدال گرایی، تربیت عقلایی، تفکر و تدبیر، کرامت، کمال جویی خانواده گرایی و تفاوت های اجتماعی استوار است.

مواد و روش ها

نوع پژوهش بر اساس هدف: بنیادی است. از حیث نتیجه گیری: کاربردی - توسعه ای، از جهت رویکرد انتخاب: عقلایی، و از منظر تحلیل داده ها: کیفی و به لحاظ ماهیت پژوهش، توصیفی - تحلیلی می باشد. روش گرد آوری داده ها و اطلاعات، اسنادی است که از طریق مراجعه به کتابخانه و آرشیو مقالات و همچنین جستجو در شبکه های مجازی و اینترنتی انجام شده است.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی پژوهش حاضر می توان در ابعادی چون معرفت شناسی، هستی شناسی، الهیاتی و انسانی شناسی تبیین نمود. معرفت شناسی به طور مطلق دانشی است که در باره تعریف معرفت، امکان معرفت، انواع معرفت، راه ها و ابزار های کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجه و اعتبار انواع معرفت ها بحث می کند. با توجه به معرفت شناسی، امکان و وقوع شناخت یقینی هستند، برخی معرفت ها بدون قید و شرط معتبر هستند، و همچنین شناخت عالم خارج از ذهن امکان پذیر است. (۱)

افزون بر این، باید خاطر نشان کرد که معرفت شناسی تئوری مربوط به معرفت است که به عنوان بخشی از فلسفه به حساب می آید و پیرامون ماهیت معرفت، ریشه معرفت و حدود معرفت بحث می کند. همچنین در باره روش های رسیدن به معرفت، ساختار معرفت و حقیقت بحث می کند. از جمله اساسی ترین سوالاتی که در معرفت شناسی بحث می شود این است که: آیا امکان شناخت تعلیم و تربیت وجود دارد؟ دانش تربیتی چیست کدامین دانش تعلیمی معتبر است؟ دانش تعلیم و تربیت چگونه رشد می کند؟ چگونه دانش تعلیم و تربیت یعنی (پداگوژی) آموخته می شود یا یاد گرفته می شود؟ (۲)

مقصود از هستی شناختی تربیت، گزاره هایی از دانش هستی شناسی است که برای تعیین اهداف، اصول، ساخت ها، مراحل، عوامل و موانع و روش های تعلیم و تربیت به کار می آیند. طبق مبانی هستی شناسی، هستی نظم و هماهنگی ویژه و برجسته ای دارد که به گونه ای خارق العاده از آغاز تاکنون، به هر صورتی که بوده و هست، تحت اشراف، نظارت، اراده، تدبیر، هدایت و تربیت الهی به سر برده است. مدار مشخصی که جهان با این همه نظم و تدبیر، همواره بر گرد آن در حال چرخش است بدون اتکا به علم و قدرت لایزال

وابستگی و نیاز هستی به خالق در تقنین سیاسی، پذیرش دخالت علل غیرمادی در حیات سیاسی، آخرت‌محوری در سیاست و...» اشاره کرد.

در هستی‌شناسی قرآنی، نظام هستی، بر اساس توحید است و انسان جایگاه خود را در ذیل هستی به عنوان بخشی از مخلوقات می‌یابد و بر مبنای آن به حیات خود سامان می‌دهد (اعراف/۵۴) اما هستی‌شناسی‌ها در نگاه غیرالهی بر مبنای مادی استوارند و به دلیل نادیده‌انگاری ابعاد فرامادی هستی نمی‌توانند ماهیت هستی را درست و جامع بشناسند و البته این وضعیت تا عصر ما تداوم یافته و نظامات اندیشگی در حوزه‌های متکی به هستی‌شناختی، مثل نظامات اجتماعی و سیاسی گرفتار انحراف و ناکارآمدی شده است و وجود چنین آسیب‌هایی درنگ برای شناخت درست و جامع هستی را ضروری می‌سازد. البته برای شناخت مبانی کلان هستی‌شناختی قرآنی نیازمند فهمی روشن‌مند از آیات هستیم تا برون‌دادهای آن اطمینان‌بخش باشد. (۵)

... مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِن فُطُورٍ - سوره ۶۷ آیه ۳: در نظام آفرینش خداوند مهربان هیچگونه تفاوتی نمی‌بینی جستجوی خود را تکرار کن و ببین تفاوتی و اختلافی می‌توانی بیابی؟

این اصل دلالت دارد بر این که یک نظام واحد بر کلیه اجزاء آفرینش حاکم است: بهر طریق ما دانستیم که یک موجودی خصوصیتی دارد قابل تعمیم است؛ - بنده که این مطالب را می‌نویسم و شما که می‌خوانید هر چند در ظواهر اختلافاتی داریم لیکن چون از اجزاء آفرینش هستیم در اصول و اساس دارای وجوه مشترک می‌باشیم:

ما دارای زوج هستیم - پس هر موجود دیگری هم طبق اصل مذکور باید دارای زوج باشد: و من کل شیء خلقنا زوجین ۵۱-۴۹
ما دارای نطق هستیم - پس هر موجود دیگری هم طبق اصل مذکور باید ناطق باشد. انطقنا الله الذی انطق کل شیء ۴۱-۲۱

۳) مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تأکید بر انسان‌شناسی از منظر قرآن کریم مبدأ جهان هستی و تنها آفریننده جهان و انسان خداوند است. و إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ (بقره/۱۶۳) این اعتقاد بر پایه توحید شکل گرفته است. مسئله توحید یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مباحث در هر دین و آیینی محسوب می‌گردد. توحید در اسلام نیز یک اصل اساسی محسوب می‌گردد، به گونه‌ای که تمامی آموزه‌های اسلام بر اساس توحید شکل گرفته‌اند. توحیدی که قرآن معرفی می‌کند توحید ناب است، بر این اساس از منظر قرآن کریم خدایی که انسان را آفریده خدایی یکتا است که ذات پاکش منزله از هرگونه عیب و نقص و جهلی می‌باشد. (حشر/۲۳) نه فرزندی دارد و نه خودش فرزند است (اخلاص/۳) تنها آفریننده همه اشیاء می‌باشد که در خلقتش شریکی ندارد. (رعد/۱۶) او تنها خالق (غافر/۶۲) و مالک و رب جهان است (مائده/۷۲) همه نیازمند و محتاج به او هستند (فاطر/۱۵) ذات آدمی سراسر فقر و نیاز است و اوست که بی‌نیازترین بی‌نیازها است. (اخلاص/۲) از منظر فلسفی نیز خداوند علت تامه همه چیز است و آنچه از موجودات که در همه عالم است معلول خدا

که نماد سواد و نوشتن است. قرآن کریم به شیوه‌های گوناگون به امر تعلیم پرداخته و درباره آن سخن گفته است، گاه از راه بیان ارزش علم و حکمت و گاه از طریق بیان برتری صاحبان علم. (۴)

قرآن بر تربیت نیز تأکید فراوان دارد و از منظر تربیتی می‌توان گفت: قرآن برای پرورش افراد بشر فرود آمده است؛ زیرا همه آیات قرآن دارای پیام تربیتی هستند و آیه‌ای در قرآن وجود ندارد که ناظر به تربیت انسان نباشد. آیات احکام، آیات مربوط به مبدأ و معاد، خانواده و اجتماع، قصه و سرگذشت امت‌های پیشین، همه دارای جنبه تربیتی هستند و به بعدی از ابعاد تربیت اشاره دارند. از اینجاست که خداوند درباره قرآن می‌فرماید: (هُدًى لِلنَّاسِ) قرآن برای هدایت و تربیت مردم نازل شده است. خداوند در آیات متعدد قرآن، هدف و فلسفه رسالت پیامبر را تعلیم و تربیت معرفی کرده است. بنابراین، ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت روشن است و می‌توان ادعا کرد که تمام احکام و دستورات اسلام، مربوط به تعلیم و تربیت انسان است و هدف از تشریح آن پرورش افراد بشر و سوق دادن آنها به کمالات روحی و معنوی، که پیامبر به عنوان مجری این برنامه فرستاده شده‌اند. (۴)

افزون بر همه این‌ها در آیات گوناگونی از قرآن کریم، به حواس پنجگانه‌ی انسان اشاره شده است، نظیر: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا. ما آدمی را از نطفه‌ای آمیخته، نطفه مرد و زن، بیافریدیم، او را می‌آزماییم و از این رو شنوا و بینایش ساختیم. علاوه بر آن، قرآن به دست و خطوط سرانگشتان دست، در سوره قیامت آیه‌ی چهارم و سوره زمر آیه‌ی بیست و سوم اشاره کرده و نیز در آیات دیگری به پوست انسان پرداخته و می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلِمًا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا. کسانی که به آیات ما کافر شدند، به زودی آنان را به آتشی درآوریم، که هرگاه پوست تنشان پخته شود و بسوزد، آنان را پوست‌های دیگری جایگزین سازیم، تا عذاب را بچشند، که خدا توانای بی‌همتا و دانای استوار کار است.

۲) مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تأکید بر هستی‌شناسی مبانی هر مکتبی در نوع پاسخ‌های آن به مسائل زندگی از جمله حیات سیاسی تأثیرگذارند و اتخاذ هر مبنا استلزامات خاص خود را می‌طلبد. در این میان مبانی هستی‌شناختی دارای جایگاه خاصی است و پذیرش هر نوع مبنا هستی‌شناختی، اثری متناسب در چگونگی پاسخ به مسائل سیاسی دارد. بر این اساس مسئله این است که «مبانی هستی‌شناختی» از منظر قرآن کریم کدام‌اند و پذیرش آنها چه برون‌دادهایی در تدبیر حیات سیاسی الزام می‌کند؟ به نظر می‌رسد اهم مبانی هستی‌شناختی از منظر قرآن کریم را در عناوینی چون «مخلوق بودن هستی، فقر نظام هستی، قانون‌مندی تکوینی، ابزارانگاری هستی، تداوم هستی پس از مرگ، مادی و فرامادی بودن هستی» بتوان یافت و نوع پاسخ‌ها به مسائل سیاست در اسلام متأثر از پذیرش این مبناهای قرآنی، متفاوت از پاسخ‌ها در مکاتب دیگر با مبناهای خاصشان خواهد بود. از مهم‌ترین نتایج پذیرش این مبانی می‌توان به برون‌داهایی چون «معناداری عبادت و اطاعت در حیات سیاسی، تناسب حق و تکلیف سیاسی با مخلوق بودن هستی، اثرپذیری حیات سیاسی از قوانین تکوینی و ثابت هستی، اثرپذیری قدرت از

وجود اختیار در انسان است. در واقع هر کس مسئول اعمال خود است و هیچ کسبار دیگری را به دوش نمی کشد: لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ. (بقره/۲۸۶) لذا بر این اساس است که نظام مجازات و پاداش هم معنا پیدا می کنند و کسی بی دلیل مورد بازخواست قرار نمی گیرد.

حال باید پرسید خلقت انسان با این همه عظمت و بزرگی به چه منظور و غرضی بوده است؟ قرآن اهداف گوناگونی را در وصف خلقت انسان بیان می کند، از جمله عبودیت (وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (ذاریات/۵۶) البته عبادت می تواند غرض متوسط هم باشد چنانکه علامه طباطبایی بیان میدارد: خلقت بدون غرض نبوده، و غرض از آن منحصر عبادت بوده... همچنین اگر برای عبادت غرضی از قبیل معرفت در کار باشد، معرفتی که از راه عبادت و خلوص در آن حاصل می شود در حقیقت غرضی بالاتر است و عبادت غرض متوسط است. (۸) لذا می توان گفت هر موجودی را کمالی است و هدف از خلقت هر موجود نیل به آن کمال است، پس وجود ناقص انسانی نیاز به حرکت و یک سیر صعودی و حرکتی استکمالی در جهت رسیدن به وجودی بی نهایت کامل دارد. (۷).

۴) مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تاکید بر الهیاتی بعد فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم بر محور توحید می گردد. توحید به معنای یگانه دانستن خداوند است. این توحید دارای ابعادی چون ذاتی، توحید در خالقیت، توحید در مالکیت، توحید در ربوبیت تکوینی، توحید در ربوبیت تشریحی، توحید در الوهیت، توحید افعالی می باشد. در توحید ذاتی نکته آن است که ذات خداوند متعال یگانه و بسیط است. در توحید خالقیت نکته آن است که تنها خداوند متعال آفریننده سایر موجودات است. در توحید مالکیت مسئله آن است که تنها خداوند مالک حقیقی همه چیز است. در توحید ربوبیت تکوینی مسئله آن است که همه چیز در عالم هستی به طور تکوینی تحت ربوبیت الهی است. در توحید ربوبیت تشریحی مسئله آن است که تنها خداوند متعال است که نسبت به موجودات مختار دارای ربوبیت تشریحی است. در توحید الوهیت مسئله این است که هیچ کس جز خداوند متعال سزوار پرستش نیست. در توحید افعالی نکته این است که هر کاری در جهان در نهایت با اراده الهی انجام می شود.

سوره توحید را باید مهمترین جلوه ها و نشانگان مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تاکید بر الهیاتی دانست. در این ارتباط باید گفت که، خداوند در قرآن معمولاً به صورت مستقیم با انسان سخن می گوید، ولی در سوره حمد از زبان انسان با خود سخن می گوید، یعنی مطالبی را که می خواهد به انسان آموزش دهد، به صورت مستقیم به او نمی فرماید، بلکه غیر مستقیم به او القا می کند. (۹)

مفسران در مورد (گمراهان) گفته اند: مقصود، گمراهان عادی اند، یا گمراهانی که در پی گمراه ساختن دیگران نباشند یا مسیحیان. در برخی احادیث اهل بیت (ع) به معنای اخیر اشاره شده است (همان). ممکن است هر سه معنا مقصود باشد، ولی در هر صورت یهودیان و مسیحیان از مصداق های آیه اند و مفهوم آیه در آنان منحصراً نیست. (۹)

۵) مبانی فلسفی تربیت انسان در قرآن کریم با تاکید بر ارزش شناسی

و منتهی به واجب تعالی است. (۶) بنابراین در تعالیم قرآنی انسان موجودی است که خدا او را آفریده و آغاز و انجام و هستی اش: هم وابسته به خداست. حال باید دید خدای باری تعالی انسان را چگونه آفریده است؟ قرآن کریم آفرینش انسان را بدین شکل معرفی می نماید: وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِإٍ سَوْنٍ. (حجر/۳۶) ما انسان را از گل خشکیده ای که از گل تیره رنگ بدبویی گرفته شده بود آفریدیم:

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَفْثًا فِی قَرَارٍ مَكِیْنٍ. اما دستور الهی به آنها این بود که نزدیک یکی از درختان بهشت نشوند و از میوه آن هم تناول نکنند: وَلَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِینَ. اما شیطان اغواگر که قبلاً به دلیل سجده نکردن به این برترین مخلوق الهی از درگاه خدا رانده شده بود آن دو را وسوسه کرد و آنها میوه ممنوعه را خوردند.

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ. (بقره/۳۶). لذا به دلیل خوردن میوه ممنوعه و نافرمانی از دستور الهی از بهشت رانده شدند و به زمین هیوط کردند. وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَكُمْ فِی الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَى حَیْنٍ. (بقره/۳۶).

انسانی که قرآن معرفی می نماید دارای ویژگی های خاصی است که سبب متمایز گشتن او از سایر موجودات دیگر شده است. لذا در قاموس قرآن انسان مرکب از دو بعد جسمانی و روحانی می باشد. بعد جسمانی یا مادی در پی تأمین نیازهای مادی و دنیوی چون غرایز و امیال طبیعی است و همچنین پس از مرگ نابود می گردد، بعد روحانی انسان خواستار ترقی و تکامل حقیقی انسان است و همواره ثابت است و پس از مرگ نیز به حیات خود ادامه می دهد. بعد روحانی برگرفته از روح الهی است و از آنجا که روح الهی سرشار از استعداد های مهمی است که سبب استفاده از نیروهای مادی در جهت رسیدن به کمال می گردد و از این جهت انسان تجلی گاه صفات الهی می باشد. (۷)

به واسطه قرار گرفتن فطرت پاک و روح الهی در انسان است که زمینه تکامل او فراهم گشت و دارای مقامی باکرامت گردید. (اسراء/۷۰) تکریم یعنی اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد. (۶)

یکی دیگر از وسایل ترقی و پیشرفت انسان که بسیار همدار قاموس قرآن مورد توجه قرار گرفته است مسئله آزاد آفریده شدن انسان است. انسان آزاد آفریده شده. البته منظور آزادی مطلق و نامحدود نیست. و دارای نیروی اراده و اختیار می باشد: بَلْ یُرِیدُ الْإِنْسَانُ لَیْفُجِّرَ أَمَامَهُ. (قیامت/۵) که خود راه خود را تشخیص دهد و در نهایت یا طریق هدایت را برگزیند و یاشقاوت. قرآن در این باب تصریح می کند. و هدیناه النجدین. (بلد/۱۰) در تفسیر المیزان ذیل آیه فوق آمده است: کلمه (نجد) به معنای راهی است به سوی بلندی، و مراد از (نجدین) راه خیر و راه شر است و اگر راه خیر و شر را نجد خوانده برای این بوده که هر دو مستلزم رنج و مشقت است. (۶) آزادی اساس مسئولیت است و مسئولیت پذیری یک اصل اساسی در قاموس قرآن محسوب می گردد. زیرا اراده نشان از مسئولیت پذیری انسان می دهد و مسئولیت پذیری هم نشان از

بخش اصلی و اساسی هدف تعلیم و تربیت اسلامی، شکوفایی فطریات انسان است. قرآن در معرفی انسان، همه ابعاد وجودی او را در نظر می‌گیرد و خطوط کلی برنامه‌ای که ارائه می‌دهد، او را هماهنگ با طبیعت و فطرت و همسو با نظام آفرینش در جهت کمال دعوت می‌کند. در این نظام، شکوفایی هدفی است برای همه انسان‌ها. همه می‌توانند به شکوفایی دست یازند. انسان‌ها برای شکوفا شدن، باید خود را کشف کنند، بفهمند که چه ویژگی‌ها و طبیعتی دارند و اینکه چه می‌توانند بشوند. (۱۳)

یکی از تدابیر الهی در مورد انسان‌ها این است که خداوند آنها را بر اساس فطرت الهی آفریده است. فطرت الهی با شالوده وجود آدمی در انطباق کامل است. گفت‌وگو از فطرت الهی، گفت‌وگو از محوری‌ترین و ثابت‌ترین بعد دینی وجود انسان است. فطرت‌گرایی و همسویی با فطرت، اصل مسلم تعلیم و تربیت دینی است و همه تدابیر، برنامه‌ها، اهداف و تحقیقات تربیتی باید بر پایه فطرت پی‌ریزی شوند، زیرا خداوند، آدمی را بر این بنیاد خواسته و سرشته و پرورش و رشد و کمال او را از این راه ممکن دانسته است. (۱۴)

همان‌گونه که امام صادق (ع) فرمود، فطرت الهی در وجود آدمی به فراموشی سپرده شد، تا روزی دوباره آن را متذکر شود. این یادآوری به خودی خود حاصل نخواهد شد، کوشش و همت مردان بزرگ الهی را می‌طلبد؛ مردانی از جنس انبیا و جانشینانی از نوع مریمان شایسته و وارسته: فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ؛ (امام علی (ع): خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی بین مردم فرستاد، تا بشر را به ادای پیمان فطرت (در عالم ذر) وادارند. (نهج البلاغه)

۶-۲) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل اعتدال‌گرایی

اصل اعتدال‌گرایی بیانگر رعایت اعتدال و توازن در تربیت انسان و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط است. بنابراین رفتارها و عملکردهای تربیتی، در صورتی به ما کمک می‌رساند که تابع اعتدال باشد. از این رو این اصل متضمن دو امر است:

الف) جامعیت مفهوم اعتدال. به این معنا که آنچه در تربیت اسلامی مدنظر قرار می‌گیرد شامل تمام نیازها و خواسته‌های وجودی انسان است و این جامعیت مستلزم رعایت اعتدال در مواجهه با نیازهای مزبور است.

ب) پاسخ‌گویی به یک نیاز، بارعایت اعتدال. در دیدگاه دینی، تداوم هر امری به اعتدال در انجام آن بستگی دارد.

قرآن، همواره انسان را از افراط و یا تفریط در ارضای نیازهای طبیعی برحذر می‌دارد و او را به سوی رشدی متعادل و متناسب سوق می‌دهد. (۱۵)

۶-۳) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل تربیت عقلایی

اصل دیگری که می‌توان در تربیت اسلامی از آن سخن گفت، اصل تعقل است، به این معنی که در هیچ کدام از عناصر جریان تربیت و در هیچ یک از مراحل تربیت نمی‌توان اصل عقل را نادیده گرفت

قرآن کریم کتاب هدایت است و برای تربیت انسان نازل شده و بر این اساس، مهم‌ترین وظیفه پیامبر تعلیم و تربیت بوده است. از این‌رو، زبان قرآن، زبان آموزش و پرورش و زبان هدایت است. قرآن شیوه‌های متفاوتی را به کار گرفته است تا انسان را به کمال روحی و معنوی‌اش برساند. افزون بر این فلسفه تربیت انسان در قرآن، بر اساس تکیه گاه‌ها و نگرش‌های این کتاب الهی، نسبت به حقیقت انسان و شؤون وجودی وی و هدف و کیفیت رشد و حرکت او به سوی کمال ترسیم می‌شود. هدف از تعلیم و تربیت قرآنی، هدایت انسانها به سوی کمال مطلق است و روشی را که ارائه می‌دهد، برای هر چه بیشتر فراهم نمودن زمینه‌های رشد و خلاقیت در جهت تکامل است، به طوری که محتوا و روشهای کاربردی در تربیت انسان، همگی در این راستا قرار می‌گیرد. (۱۰)

آنچه مسلم است اینکه قرآن کریم یکی از منابع مهم و اصلی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آید و همه فرقه‌های مسلمان بر صحت، سلامت و حجیت آن اتفاق نظر دارند. دقت در سوره‌ها و آیات قرآن به خوبی روشن می‌سازد که زبان قرآن، زبان آموختن و پرورش انسان است. از این‌رو، قرآن درباره علم و تعلیم و عالمان و نیز تزکیه نفوس، تقوا، عبادت و دعا، تشویق و تنبیه و مطالبی از این قبیل، فراوان سخن گفته و همگان را به فراگیری و تحصیل آن دعوت کرده است. روشن است که تعلیم و تربیت اسلامی جز تبیین مفاهیم در این زمینه و ارائه راه‌کارهایی برای تحصیل ارزش‌های دینی در قالب این مفاهیم، چیز دیگری نمی‌تواند باشد. (۱۱).

۶) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم

قرآن کتابی است الهی که برای انسانها نازل شده و در طول قرنهای متمادی انسانهایی تربیت کرده است که هر یک همچون ستاره‌ای پر فروغ در میان جوامع درخشیده و به زندگی انسانها معنا بخشیده و زمینه ساز حرکت‌های آزادی بخش در میان ملت‌ها بوده است. نفوذ شگفت‌انگیز آیات قرآن در دل و جان انسانها، تحولی عظیم در ابعاد گوناگون زندگی بشر ایجاد کرده و همیشه الهام بخش تفکرات سازنده و ارزشهای والا بوده است. اغلب متفکران و رهبران راستین بشر از سرچشمه زلال این کتاب سیراب گشته‌اند. قرآن کتابی نیست که انسانها را تنها پند و اندرز دهد و مسائل زندگی را به صورت ذهنی و تئوری بیان کند، بلکه در هر زمان که خواسته است ارزشی را بیان کند، با ارائه نمونه‌های عینی در جامعه، صداقت و صراحت و واقع‌گرایی خود را به اثبات رسانیده و همواره فضیلتها و نیکیها را همراه با مطرح ساختن شخصیت نیکان معرفی کرده است. (۱۲)

ارزشهایی که قرآن برای زندگی انسان معرفی می‌کند، دارای اصولی ثابت و مطلق است و فضیلت‌هایی که مطرح می‌سازد، امری قراردادی و اعتباری نیست. قرآن کریم مبنای تعلیم و تربیت انسان را بر مبنای اصولی چون: فطرت‌گرایی، اصل اعتدال‌گرایی، اصل تربیت عقلایی، اصل تفکر و تدبیر، اصل کرامت، اصل کمال‌جویی، خانواده‌گرایی و تفاوت‌های اجتماعی بنا کرده است. (۱۲)

۶-۱) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل فطرت‌گرایی

منافی با این کرامت و شأن والای اعطایی از سوی خداوند باشد، اجتناب کند.

خداوند متعال در سوره مبارکه اسراء درباره کرامت انسان در جهان خلقت و علائم کرامت وی چنین می‌فرماید: وَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا. ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را به مرکب برّ و بحر سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر ایشان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بزرگ بخشیدیم. (اسراء / ۷۰)

شرافت و کرامتی که خداوند - رب و مربی اصلی انسان - برای مخلوق خویش قائل شده است چنین برمی‌آید که این امر باید به عنوان یک اصل در جریان تربیت وی برای رسیدن به رشد نهایی و کمال و آخرین مرحله تربیت یعنی رسیدن به مقام قرب (ربوبی شدن) مورد توجه و دقت قرار گیرد. بنابر این رعایت اصل کرامت ، بستر ربانی شدن انسان ها را فراهم می‌آورد. چنانچه حضرت در توصیه تربیتی خویش به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

وَ أَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَبِيَّةٍ وَإِنْ سَأَقْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تُعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْصًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرَكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. (نهج البلاغه، نامه ۳۱) بزرگوارتر از آن باش که به پستی تن دهی، هر چند که تو را به مقصود برساند؛ زیرا نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت در این راه از دست می‌دهی، جایگزینی به دست آوری و بنده دیگری مباش در حالی که خدایت آزاد آفریده است. (۱۷)

۶-۶) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل کمال جویی

از جمله خصایص اصلی انسان مورد نظر اسلام سیر و تلاش و حرکت به سوی خالق است و این تلاش باید به عنوان یک اصل در تربیت اسلامی همواره مدنظر باشد و در اهداف، روش‌ها و مراحل گوناگون تربیت به عنوان اصلی اجتناب‌ناپذیر مورد توجه و ملاحظه قرار گیرد. انسان مورد نظر تربیت اسلامی همواره در حال تلاش و فعالیت و در تکاپوی پیشرفت به سوی هدفی است که آن هدف، رسیدن به مقصدی است که خدای تعالی از خلقت انسان اراده کرده است. "هدف مذکور گاه به عنوان هدایت و رشد و گاه به عنوان قرب و رضوان و گاه طهارت و حیات طیبه، تقوی و عبادت و عبودیت معرفی شده است. در سوره مبارکه انشعاق مقصد تلاش و فعالیت انسان ملاقات پروردگار - یعنی کسب ویژگی‌هایی که انسان را شایسته نزدیک شدن به پروردگار می‌سازند - معرفی شده است. در این رابطه چنین می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ (انشعاق/۸۴) ترجمه: هان ای انسان، تو در راه پروردگارت تلاش می‌کنی و بالاخره او را دیدار خواهی کرد.

کمال مورد نظر اسلام در رسیدن به هدف غایی تربیت نهفته و کسی که در تلاش و تکاپو برای ملاقات پروردگار خویش است، مایل به رسیدن به کمال یا آخرین مرتبه وجود منصور برای نوع انسان است.

و ملاک و مناط هر فعالیتی انطباق آن با اصول عقلانی است. در این تربیت، قوای آدمی تسلیم خرد شده و به واسطه عقل اداره می‌شود. عقل، محور امور قرار می‌گیرد و هوا و هوس از انسان رخت برمی‌بندد.

قرآن کریم بارها انسان را به تعقل و تفکر دعوت می‌کند و بسیاری از امور صرفاً به دلیل اینکه زمینه ساز تعقل و تفکر بشود، توصیه شده است. در سوره مبارکه بقره خطاب به ملت یهود چنین می‌خوانیم: أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ؛ شما که کتاب آسمانی می‌خوانید چگونه مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خودتان را از یاد می‌برید چرا به عقل در نمی‌آیید. (بقره/۴۴) از این آیه در می‌یابیم که اگر قوم یهود به عقل خویش مراجعه می‌کردند نباید انتظار انجام‌دادن کاری را از دیگران داشتند که خود بدان عامل نبودند و این اصل عقلی است که هر عاقلی بدان قائل است و اگر کسی بخواهد به عنوان مربی به آموزش امری اقدام کند، اصل عقل ایجاب می‌کند که خودش عامل بدان باشد.

۴-۶) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل تفکر و تدبر

تربیت می‌بایستی بر مبنای خرد و پرورش آن حرکت کند و می‌توان گفت که این موضوع از زمینه‌های اساسی تربیت است. برای تحقق اندیشیدن و تفکر در تربیت اسلامی سه روش را می‌توان دنبال کرد. البته براساس آنچه در متون اسلامی وجود دارد:

الف) مشاهده و دیدن. قرآن در این زمینه بسیار تأکید دارد که نگاه کنند، ببینند، مشاهده کنند، خودشان را نگاه کنند و اطرافشان را بنگرند. حتی اگر به سوره‌های قرآن بنگریم اکثر سوره‌ها به نام طبیعت، آسمان و حیوانات است، حتی به این‌ها سوگند هم خورده شده است یعنی می‌خواهد که انسان به مسائل اطرافش توجه کند. ب) تجربه. حدیث داریم که (العقل غریزه تزیید بالعلم و التجارب) یعنی، عقل یک غریزه و توان و استعدادی است که با علم و تجربه افزایش می‌یابد.

ج) دانش. آدمیان با علم و دانایی و دانش، می‌توانند عقل خود را افزایش دهند. اگر انسان‌ها به مشاهده طبیعت و مشاهده خودشان بپردازند، اگر تجربه کنند و اگر دانش‌ها را کسب کنند، عقل آن‌ها افزایش می‌یابد. انسان با اندیشیدن به خداوند، خویشتن، جهان و تاریخ، حقایق امور را در می‌یابد و بستر کمال خویش را مهیا می‌سازد و مشمول رحمت الهی می‌شود. (۱۶)

۵-۶) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل کرامت

کرامت نیز در تربیت نقش اساسی دارد و انسان‌ها را در بیکران کمالات انسانی به پرواز در می‌آورد. در قرآن کریم شرافت و کرامت انسان را به راحتی می‌توان از تشریح جریان خلقت حضرت آدم (ع) و فرمان سجده ملائکه در مقابل ایشان و اعطای مقام جانشینی خدا در روی زمین دریافت. انسان که این چنین از سوی خالق مورد احترام و تکریم قرار گرفته در جریان تربیت نیز باید همواره مورد تکریم باشد و از تعیین هر گونه هدف و روشی که

تفاوت اجتماعی در مقابل تفاوت فردی (تفرد) است و منظور از آن هر نوع تفاوتی است که متکی بر تفاوت‌های درونی فرد نباشد، و ناشی از موقعیت و جایگاه وی در جامعه و اجتماع باشد؛ خواه جایگاه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و یا غیر آن. در مبحث تفرد، به قسمی از تفاوت فردی اشاره شد که خارج از حیطه مورد توجه جدی روان‌شناسان شخصیت و یادگیری بود. به نظر می‌رسد مبحث «تفاوت‌های اجتماعی» اساساً در مباحث علوم تربیتی معاصر جایی ندارد (چه رسد که در سطح اصلی تربیتی مطرح باشد) و از اختصاصات نظام‌های تعلیم و تربیت دینی یا به‌طور خاص از ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. بر سیاق اصل تفاوت‌های فردی، اصل تفاوت‌های اجتماعی به ما می‌گوید افراد بر حسب موقعیت و جایگاهشان در جامعه و اجتماع، باید برنامه و اهداف تربیتی مخصوص داشته باشند و از آنان انتظارات تربیتی متفاوت داشت. به دلیل شباهت بین این دو اصل، مباحث مشترکی بین آنها وجود دارد که از تکرارشان در اینجا خودداری و بیشتر به دلایل اسلامی آن پرداخته می‌شود. (۱۹)

کسانی که شخصیت دینی و اجتماعی دارند و افکار، گفتار و کردارشان برای دیگران سرمشق است، باید از دیگران تربیت‌یافته‌تر و همواره چند گام از آنها جلوتر باشند، تا بتوانند الگویی مناسب برای دیگران باشند. این امر میسر نیست مگر آنکه آنان را تحت پوشش تربیت خاص با اهداف و برنامه‌ی تربیتی متعالی‌تری قرار دهیم. چگونه ممکن است افرادی را با ویژگی‌ها و شایستگی‌های برتر دینی، اخلاقی و اجتماعی هدف بگیریم، ولی محیط، برنامه و روش تربیتی آنان با دیگران یکسان باشد. اگر قرآن از همسران پیامبر(ص)، رعایت بیشتر دستورهای قرآنی را می‌طلبد، دلیل آن را به دنبال آیات پیشین چنین می‌فرماید: *وَأذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا*؛ (احزاب: ۳۴) «از آنچه در خانه‌های شما از آیات خداوند و حکمت و دانش خوانده می‌شود یاد کنید؛ خداوند لطیف و خبیر است».

آیات قرآن در خانه‌های آنان نازل شده است و پیش از دیگران از دستورهای خدا اطلاع یافته و آنها را آموخته‌اند. نتیجه آنکه، در برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری تربیتی، بین افراد دارای شئون و موقعیت اجتماعی و افراد دیگر تفاوت گذاشته می‌شود و این امر به‌منزله اصل تربیتی لازم‌الرعایه است، همان‌گونه که اهل بیت(ع) آن را مورد نظر قرار می‌دادند و فرزندان‌شان را که در آینده به مقام‌های عالی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌رسیدند، به آن شیوه تربیت می‌کردند. (۲۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به فرضیه پژوهش مبنی بر آنکه: فلسفه تربیت در قرآن کریم از منظر مبانی و اصول شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناختی، الهیاتی، انسان‌شناختی، ارزش‌شناختی و دارای اصولی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و بر اساس اراده و اختیار، اخلاق و بر اساس قوانین آفرینش و نظام احسن بنا شده که هدف آنها رستگاری است اما مهمترین وجه تمایز آن اختلاف در روش و نوع رسیدن به غایات و نتایج نهایی تعلیم و تربیت است، نکات زیر در جهت اثبات آن گفته می‌شود:

هدایت و رشد آخرین مرحله کمال انسان است، علاوه بر این انسان نیز مایل و در جستجوی دستیابی بدان است. در غیر این صورت هدایت و رشد نمی‌توانست به عنوان هدفی آرمانی مطرح باشد؛ به‌عبارت دیگر میل به رشد، گرایش درونی اصیل و پایدار در وجود انسان است؛ به‌گونه‌ای که خداوند می‌فرماید در صورتی که بندگان مرا اجابت کنند و به من ایمان آورند راه رشد ایشان هموار خواهد شد و به کمال مطلوب مورد نظر خویش که هدف نهایی تربیت است نائل خواهند شد.

۶-۷) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل خانواده‌گرایی

تربیت فرزندان، از اولین امور مهم خانه، مدرسه و جامعه است. همه این عوامل در تربیت فرزندان به سمت مثبت یا منفی دخالت دارند؛ اما حقیقت آن است که تأثیر محیط خانه و خانواده از میان این عوامل، به شکلی چشمگیر در تربیت و به‌خصوص در تربیت دینی فرزندان افزون‌تر است، به‌گونه‌ای که باید آن را از دو عامل دیگر ممتاز ساخت.

قرآن کریم درحالی‌که تغییر وضعیت یک قوم و ملت را به تغییر درونی تک‌تک اعضای آن قوم و جامعه توسط خودشان وابسته کرده است، خانواده را به‌منزله واحدی تربیتی که در آن سرپرست خانواده مسئول تربیت و اعضای خانواده متریبان وی هستند، پذیرفته است: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَاءُ عَلَيْهِمْ*؛ (تحریم: ۶) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده‌ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، حفظ کنید».

در قرآن کریم، خانواده محل آموزش و برپایی نماز است، از این رو خداوند در خطاب به پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: *وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ*؛ (طه: ۱۳۲) «و خانواده خود را به نماز فرمان ده».

همان‌گونه که از روایت فطرت (روایت پیشین منقول از پیامبر) استفاده می‌شود، در تربیت دینی فرزندان، والدین به‌منزله ارکان اصلی خانواده، بیش از اعضای دیگر آن نقش دارند. والدین در شکل‌دهی فطرت و سرشت پاک و بالفعل کردن صفات بالقوه فرزندان، اثر مهمی دارند. آنان با پیروی از برنامه معین و با به‌کارگیری راهکارهای مختلف تربیتی، با فراهم کردن بستر مناسب و ایجاد جو معنویت در محیط خانه و خانواده، در شکل‌گیری حس دینی و رشد گرایش‌های معنوی در فرزندان، نقش تربیتی خود را ایفا می‌کنند.

به این ترتیب و طبق آموزه‌های قرآن کریم و روایات والدین نقش خود را از طریق ارتباط‌های کلامی، القای باورهای مذهبی و معنوی و همچنین رفتارهای مذهبی ایفا می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد خانواده‌ها با انجام اعمال مذهبی مثل دعا کردن، بازگفتن نام خدا در هنگام غذا خوردن، دادن خیرات، دستگیری از فقرا و رعایت اخلاق، می‌توانند موجب رشد و بالندگی معنوی کودکان شوند. انجام مناسک و شعائر مذهبی نیز، بذریع معنویت را در دل کودکان و نوجوانان می‌افشانند. (۱۸)

۶-۸) اصول فلسفه تربیت انسان در قرآن کریم بر اساس اصل تفاوت‌های اجتماعی

2. Nasiri, Ali Akbar (2019) Principles and Philosophy of Education, Tehran: Avai Noor Publications.
3. Qaltash, Abbas (2016) Examining the ontology, epistemology, value theory, anthropology of the school of idealism and its impact on education and training, Tehran: Comprehensive Portal of Human Sciences.
4. Gholizavareh, Gholamreza (2010) Life-giving sips, Qom: Bostan Danesh Publishing.
5. Hosseini, Seyyed Mostafi (1376), Maarif Maarif, Qom: Bostan Kitab.
6. Allameh Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein (1417) Al-Mizan fi al-Tafsir al-Qur'an, Qom: Islamic Publications Office of the Madrasin Society.
7. Hosseini Hamdani, Seyyed Mohammad Hossein (1404) Anwar Derakhshan, researched by Mohammad Baqer Behboudi, Tehran: Lotfi Bookstore.
8. Makarem Shirazi, Nasser (1377) Ethics in the Qur'an, Qom: Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib (a.s.).
9. Delshad Tehrani, Mustafa (2016) Path in Islamic Education, Tehran: Darya Publications.
10. Mashayikhi, Shahabeddin (2011) The principles of education from the perspective of Islam, school and university 32.
11. Siyuti, Jalaluddin (1363) Al-Itqan in the Sciences of the Qur'an, translated by Mehdi Haeri Qazvini, Tehran: Amir Kabir.
12. Javadi Amoli, Abdullah (1378) Tafsir Tasnim, Qom: Isra'a.
13. Ehsani Mohammad (1387) Human education in the Holy Quran based on the principle of naturalism, Quranic researches 1381 number 32, special issue of Quran, Religions and Cultures.
14. Sassani, Ferishte (2010) Education and training in the Holy Qur'an, Marafet magazine, page 130.

-با توجه به این نگرش هدف فلسفه تربیت در قرآن رساندن و پرورش همه استعداد های انسان با در نظر گرفته همه جنبه های انسان و رساندن به کمال و رستگاری است. قرآن تربیت انسان را یک بعدی نمی داند. از طرف دیگر، قرآن مبنای فلسفه تعلیم تربیت را بر اساس اصل اراده و عقلانیت قرار داده است و به انسان اجازه می دهد که در پرتو این اصول استعداد ها به منصفه ظهور برسند.

- نکته اساسی در فلسفه تربیت در قرآن این است که اساس و بنیاد های فلسفی تعلیم و تربیت وحیانی و مبتنی بر الهیاتی تئولوژی است. البته در بدایت امر فلسفه تعلیم و تربیت در تورات در قالب اخلاق خود را نشان می دهد. در واقع اخلاق را می تواند مهمترین نتیجه پویه های تعلیم و تربیت در قرآن و ادبیات الهیاتی دانست.

- اصول چون خود شناسی، خدا شناسی، تعالی و رستگاری غایات اخلاقی بر آمده از فلسفه تربیت در قرآن است. البته الگوی رایج در فلسفه تعلیم و تربیت مبتنی بر دو الگوی، الگوی بودن مربی و ارائه الگو به مرتبی است و از طریق مولفه های تربیتی یعنی محبت، موعظه و ابتلا و امتحان تقویت می شود. غایات این آموزه کمال گرایی و دوری از کجروی و در نتیجه سعادت انسان است. از آنجائیکه پارادایم تربیت از استلزامات و به مثابه مکانیزمی برای سعادت و رستگاری انسان دارای اهمیت فراوانی است، راهکار هایی ارائه می گردد:

۱. باید شرایط فراهم گردد که مبانی فلسفه تربیت انسان از منظر معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، الهیاتی و ارزش شناسی از سوی نهاد های تربیتی و پارادایم پداگوژی تقویت شود و به عنوان یک مسئله اساسی در نهاد های تربیتی نهادینه و تدریس گردد.

۲. مسئله تربیت انسان به صرف مکاتب وحیانی و ادبیات تئولوژیکال منحصر و محدود نشود، بلکه از آموزه های تربیتی نحله های دیگر نظیر آموزه های شرقی به ویژه مشرق باستان و آموزه های مغرب زمین نیز استفاده شود.

۳. از آنجائیکه فلسفه تربیت دینی برای تربیت انسان در مکتب وحیانی دارای اهمیت است، لازم است پس اینشور و شوق فطری مرتبی با آموزه های وحیانی پرورش یابد و از رهگذر آن، فضائل اخلاقی را، به ملکات اخلاقی مبدل شود.

۴. علاوه بر نهاد های دینی سایر نهاد ها مانند آموزش پرورش در امر تربیت انسان سهم شونند.

۵. از افراط گرایی و تفریط در امر تربیت جلوگیری و لاجرم تربیت انسان تک ساحتی نباشد و وضعیت چند بعدی به خود بگیرد.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagha

1. The group of writers under the supervision of Ayatollah Mohammad Taghi Misbah Yazdi (2013) Philosophy of Islamic Education, Tehran: Publishing Organization of Research and Planning of Education, Ministry of Education.

15. Karmi, Ehsan (2015) Basics and Principles of Quranic Education, Qom: Research School of Quran and Hadith.
16. Rajabi, Mahmoud (1393) Anthropology in the light of Quranic education, Quranic researches 1381 number 32, special issue of Quran, Religions and Cultures.
17. Mir Hadi, Seyyed Mehdi (2015) Basics of Human Education in the Light of Islamic Teachings, Hekmat Sadraei Scientific Research Journal, 5th year, 2nd issue.
18. Najafi, Mohammad (2015) Basics of Human Education in the Light of Islamic Teachings, Hekmat Sadraei's biannual research journal, 5th year, 2nd issue.
19. Araf, Alireza (2015) Philosophical foundations of Islamic education, two scientific and research quarterly journals of Islamic education, number 14.
20. Javadi Amoli, Abdullah (1388) The true life of man in the Qur'an, Qom: Israa Publications